

سپرده بودم اگر به دفتر روزنامه آمد، به ما (من و برادرم) خبر بدهند. از آن جایی که موبایلی هنوز وجود نداشت، شماره‌ی تلفن خانه را داده بودم که زنگ بزنند. یک روز بالاخره این زنگ زده شد و ما سریع خودمان را به دفتر روزنامه رساندیم. کاریکاتورهای چاپ شده را به احمدرضایی دادیم که سال‌های آخر دوران فوتبال‌اش را می‌گذراند و موقع راه رفتن کمی می‌لنگید. چه کیفی داد دیدنش و چند کلامی هم حرف زدیم. از آن جا دیگر در مطبوعات ماندم و ادامه دادم تا امروز. عابدزاده به جرأت محبوب‌ترین فوتبالیست تاریخ ایران بود. این را کسانی که آن نسل را تجربه کردند، خوب می‌دانند. وقتی وارد استادیوم می‌شد، همه‌ی نگاه‌ها به سمت او بود و برایش شعار می‌دادند. حتا در روزهای جام ملت‌های ۹۶ که با دلایلی عجیب روی نیمکت نشسته بود، باز هم محبوب‌ترین بازیکن بود. من هم هر بار با شنیدن اسم نکيسا قبل از هر بازی، به مربی و گزارشگر و هرکس دیگری که به دروغ می‌گفت عابدزاده به‌خاطر مصدومیت، این بازی هم روی نیمکت است، لعنت می‌فرستادم. من از آخرین هواداران خوشبخت فوتبالم که در دوره‌ای زندگی کردم که بازی عابدزاده و مارادونا را دیدم و بعد از این‌ها، باقی همه هیچ...

